



مفتوح

دارالسلام۔ دارالکفر

خطوط کلی روابط بین الملل در قرآن مجید

دکتر سید محمود علوی

در این مختصر، خطوط کلی روابط بین الملل در قرآن کریم مورد توجه قرار گرفته است، در آغاز نگرشی کلی به مسئله‌ی روابط بین الملل و جایگاه آن خواهیم داشت.

انسان و روابط اجتماعی

انسان ذاتاً اجتماعی است و نر زندگی اجتماعی با هم و عیان خویش، اجتماعات بشری کوچک و بزرگی را تشکیل می‌دهد که با نام‌های گوناگون از آن‌ها یاد می‌شود. خانواده، قبیله، عشیره، ملت، است، شهر، کشور و... همه و همه، نوعی از اجتماعات انسانی را بازگو می‌کنند. که همین انسانی بودن، نقطه‌ی مشترک آن‌هاست.

انسان‌ها در تعامل خود با دیگر افراد، دچار تنازع در منافع می‌شوند. برای اجتناب از پیامدهای زیانمند تنازع و برای حفظ منافع خود، به مرور زمان به تنظیم و تدوین سلاک‌هایی پرداخته‌اند. تا منافع به حق و ناحق هر یک از افراد یا اجتماعات مشخص شود و به هنگام تنازع منافع، راه برای فصل خصومت هموار باشد. بدین ترتیب، مسأله‌ی حقوق در مجموعه اندیشه‌های بشری رخ نموده و نظام‌های حقوقی در بین اندوخته‌های فکری بشر، شکل گرفته و تعالیم الهی پیامبران، انسان‌ها را در دست یابیم. در سلاک‌ها، عادلانه برای رساننده است.

در واقع این ملاک‌ها در جامعه، قراردادهایی هستند که به صورت عرف، مورد قبول جامعه قرار گرفته‌اند. انسان‌ها خود را ملزم به رعایت آن‌ها می‌دانند، و تخطی از آن‌ها را مذموم می‌شمارند. چرا که بنای عقلا و خردورزان جوامع بشری همواره بر این بوده است که قراردادها را باید محترم شمرد، و به لوازم آن‌ها باید گردن نهاد؛ بنایی که شرع مقدس اسلام نیز آن را امضا کرده و در لسان فقها از آن به قاعده‌ی «اصاله اللزوم فی العقود» یا «اصالت لزوم در هر پیمان» یاد می‌شود.

روابط انسان‌ها با یکدیگر زمانی می‌تواند از آسیب‌پذیری مصون بماند که براساس ملاک‌های منطقی

اسلام سازنده‌ترین مکتب جهان

بین ادیان و مذاهب و مکاتب دنیا، این ویژگی را در دین مبین اسلام می‌توان یافت که روابط هر فرد با فرد دیگر، روابط زوجین، روابط والدین با فرزند، فرزند با والدین، والدین با یکدیگر، خانواده با همسایه، فرد با جامعه و بالعکس، و جوامع انسانی با یکدیگر را مورد توجه قرار داده و حتی به بیان حقوق اعضای بدن انسان نیز پرداخته است. روابط بین انسان‌ها، در دانش بشری نیز، همواره جایگاه ویژه‌ی خویش را محفوظ داشته است و دانشمندان بسیاری از دیرباز تا کنون، در این خصوص به کاوش و پژوهش و نظریه‌پردازی دست زده‌اند که در نتیجه‌ی آن، گرایش‌های گوناگون حقوق، از جمله حقوق بین الملل و نیز علوم سیاسی، از جمله رشته‌ی روابط بین الملل، و نیز دانش سیاست خارجی شکل گرفته است.

روابط بین الملل، حقوق بین الملل و سیاست خارجی

پر واضح است که میان روابط بین الملل، حقوق بین الملل و سیاست خارجی تفاوت وجود دارد، و در مقام

تعریف نیز، تعاریف متفاوتی برای هریک از آن‌ها ذکر کرده‌اند؛ هم‌چنان که سیاست خارجی را نیز از روابط خارجی متمایز داشته‌اند. در مقام تعریف روابط بین‌الملل آمده است: «روابط بین‌الملل شامل روابط بین حکومت‌ها، گروه‌ها، سازمان‌ها و حتی افراد کشورهای مختلف می‌گردد» [خوشوقت، بی‌تا، ص ۱۴۵].

و حقوق بین‌الملل را چنین تعریف کرده‌اند: «مجموعه‌ای اصول و قواعدی است که دولت‌ها، یعنی اعضای اصلی جامعه‌ی بین‌الملل، خود را ملزم به رعایت آن‌ها می‌دانند و طرز تشکیل و وظایف سازمان‌های بین‌الملل و روابط این سازمان‌ها را با یکدیگر، با دولت‌ها، و نیز در بعضی موارد، حقوق و تکالیف افراد را تعیین می‌کنند» [زنجانی، ص ۲۵، ۱۳۷۷].

این در حالی است که در مورد سیاست خارجی گفته‌اند: «سیاست خارجی، تنها آن دسته از روابط را در بر می‌گیرد که حکومت‌ها متصدی آن باشند» [مقتدر، به نقل از: همان، ص ۱۳۱]. و در تعریف سیاست خارجی می‌توان گفت: «مجموعه‌ی روش‌ها و تصمیماتی است که هر کشور در صحنه‌ی بین‌الملل، برای تحصیل و توسعه‌ی منافع خود، انتخاب می‌نماید.»

بنابراین، روابط بین‌الملل از ملاک‌ها و بایدها و نبایدها بحث می‌کند و این‌که با چه حکومت‌ها، و یا چه سازمان‌هایی باید رابطه داشت. و یا در چه شرایطی، باید روابط را تقویت کرد و در چه شرایطی، آن‌ها را به حداقل رساند. و حقوق بین‌الملل، التزام‌ها و التزام‌هایی را تبیین می‌کند که از روابط و انعقاد قراردادهای حاصل از آن نشأت می‌گیرند. ولی سیاست خارجی عهده‌دار تطبیق شرایط موجود، با ملاک‌های مزبور، و اتخاذ تصمیم مناسب است. هم‌چنین اعمال آن، به تدبیر و درایت زمام‌داران و متصدیان سیاست خارجی باز می‌گردد که با بهره‌گیری از شرایط و موقعیت‌ها، فرصت‌ها را شناسایی کنند، و با اغتنام فرصت، به تأمین منافع ملی، از طریق اتخاذ سیاست خارجی مناسب و کارآمد مبادرت ورزند.

نتیجه می‌گیریم که تبیین ملاک‌ها، کار مکتب و جهان‌بینی (ایدئولوژی) است، و از نوعی ثبات و پایداری برخوردار است، و سیاست خارجی منوط به تشخیص کارگزاران سیاست خارجی و صلاح‌دید دولت مردان، و تابع شرایط زمانی و مکانی، از حالت سیلان و پویایی برخوردار است. در یک جمع‌بندی می‌توان نتیجه گرفت

که روابط بین‌الملل برای سیاست خارجی، جنبه‌ی مبنایی و زیربنایی دارد و برای حقوق بین‌الملل، جنبه‌ی علت موجهه را داراست.

سیستم و مکتب‌های روابط بین‌الملل

با این توضیح به وضوح می‌توان دریافت که اسلام به عنوان یک مکتب، روابط بین‌الملل را، بر پایه‌های مبنایی خویش ترسیم نموده، و به اصطلاح، دارای مکتب روابط بین‌الملل است، و نه سیستم سیاست خارجی. در زمینه‌ی سیاست خارجی نیز، زمام‌داران اسلامی، و ائمه‌ی مسلمین را مخاطب قرار داده، و آنان را ملزم به رعایت ملاک‌ها، در روابط با دیگر ملت‌ها ساخته، و نسبت به تخطی از آن‌ها هشدار داده، و رعایت مصالح مسلمین را بر مصالح والیان، مقدم شمرده است.

بنابراین، شناخت ملاک‌های اسلامی روابط بین‌الملل، برای کارگزاران سیاست خارجی یک حکومت اسلامی، از ضروریات تصدی آنان در این بخش اجرایی است و از وظایف ذاتی دولت اسلامی به شمار می‌رود. آنان در مقام تشخیص مصداق‌ها، باید با دانش سیاست خارجی به نحو احسن آشنا و از هنر اعمال و حسن اجرای آن‌ها برخوردار باشند، تا مجموعه‌ی عملکردشان، روابطی را برای امت اسلامی سامان دهد که خیر و صلاح آن‌ها را تأمین سازد، و منافع ملی مسلمین را تضمین کند. آشنایی با ملاک‌ها، و اصول عقلایی سیاست خارجی، ابتکار عمل را در اختیار مجریان قرار می‌دهد، توان شناسایی فرصت‌ها، و اغتنام فرصت را به آن‌ها می‌دهد، و هدایت تحرکات بین‌الملل، به سود منافع ملی را از آن آنان می‌کند. در حالی که بدون آن، ممکن است صرفاً به آن‌گونه روابط خارجی توفیق یابند که گناه مبتکرانه، و غالباً انفعالی است و متأثر از شرایط و جبر محیط سیاسی بین‌الملل، ناگزیر از قبول آن بشوند. از همین رو، سیاست خارجی را از روابط خارجی تفکیک کرده و در توضیح هریک گفته‌اند: «روابط خارجی به توصیف کنش‌های خارجی بین کشورها محدود می‌شود، اما در سیاست خارجی اشاره به تلاش عادلانه‌ای است که کشورها به کار می‌گیرند تا با کسب، افزایش، حفظ و نمایش قدرت، منزلت خود را در صحنه‌ی بین‌الملل ارتقا بخشند. قدرت و میل به افزایش آن، خصیصه‌ی جوهری هر اقدام خارجی است» [سیف‌زاده، ص ۱۴]. بنابراین،



را صلح و آشتی دهید و تقوای الهی پیشه کنید؛ باشد که مشمول رحمت او شوید.

به علاوه، وظیفه‌ی دستگاه سیاست خارجی یک کشور اسلامی را، تلاش در جهت برقراری روابط و مناسبات برادرانه با سایر کشورهای اسلامی، تحرک دیپلماتیک در جهت ترک خصومت‌ها و کاهش فاصله‌ی بین کشورها، ایفای نقش مصلحانه بین کشورهای اسلامی متخاصم، و ستیز با سرکشان طغیانگر و تجاوزپیشه، برشمرده است. در این راستا خداوند متعال می‌فرماید: «و ان طائفتان من المؤمنین اقاتلوا فاصلحوا بینهما فان بغت احدهما علی الاخری فقاتلوا الّتی بغی حتی تفیء الی امر الله فان فاءت فاصلحوا بینهما بالعدل و اقسطوا ان الله یحب المقسطین» [حجرات، ۹]. و هرگاه دو گروه از مؤمنان با هم به نزاع و جنگ پردازند، آن‌ها را آشتی دهید. و اگر یکی از آن دو بر دیگری تجاوز کند، با گروه متجاوز پیکار کنید تا به فرمان خدا بازگردد. و هرگاه بازگشت (و زمینه‌ی صلح فراهم شد)، میان آن دو به عدالت صلح برقرار سازید. و عدالت پیشه کنید که خداوند عدالت‌پیشگان را دوست دارد.

روابط با کشورهای غیر اسلامی

در زمینه‌ی روابط با کشورهای غیر اسلامی و ملل غیر مسلمان، قرآن شرایط جنگ و صلح را، ملاک برقراری روابط قرار داده است و از برقراری رابطه با کافران ستیزه‌جویی که دین مسلمانان را هدف گرفته‌اند، باز می‌دارد. قرآن می‌فرماید: «انما ینهاکم الله عن الذین قاتلوکم فی الدین و اخرجوکم من دیارکم و ظاهره‌وا علی اخراجکم ان تولوهم و من یتولهم فاولئک هم الظالمون» [ممتحنه، ۹]: خدای متعال شما را تنها از دوستی و رابطه با کسانی نهی می‌کند که در امر دین، با شما پیکار کردند و شما را از خانه‌هایتان بیرون راندند یا به بیرون راندن شما کمک کردند. و هرکس با آنان رابطه‌ی دوستی داشته باشد، ظالم و ستمگر است.

و اصل کلی در مقابله با چنین کفاری را، مقابله به مثل در جنگ، آن هم به صورت عادلانه، و اجتناب از تعدی و خوی تجاوزگری ترسیم و تأکید می‌کند: «و قاتلوا فی سبیل الله الذین یقاتلونکم و لاتعتدوا ان الله لایحب المعتدین» [بقره، ۱۹۰]: و در راه خدا، با کسانی که با شما می‌جنگند، نبرد کنید و از حد تجاوز

برای برخورداری حکومت اسلامی از یک سیاست خارجی توانمند و نه یک سلسله روابط خارجی معلول کنش‌ها و واکنش‌ها، متصدیان سیاست خارجی، باید به دانش سیاست خارجی و هنر حسن اجرای آن، با رعایت ملاک‌های مکتبی اسلام در این خصوص مسلح باشند. برای نیل به این مقصود، از یک سو باید آخرین دستاوردهای نظریه‌پردازی در زمینه‌ی سیاست خارجی را مورد بررسی، ارزیابی و مذاقه قرار داد و از تجربیات دیگران، در میدان هنر سیاست خارجی بهره جست، و از سوی دیگر، با مباحث ایدئولوژیک در زمینه‌ی روابط بین‌الملل، آشنایی لازم را به دست آورد.

در این مقاله، تنها بخشی از این موضوع را از نقطه نظر قرآن کریم مرور می‌کنیم و فقط امکان آن را خواهیم داشت که به خطوط کلی روابط بین‌الملل بر پایه‌ی آیات قرآنی ناظر به موضوع بپردازیم. کار پژوهش پیرامون آیات، به فضایی بیش‌تر از مقاله نیازمند است تا کاوش در تفاسیر آیات ذکر شده و کار مقارنه و تطبیق با دستاوردهای دانش بشری، برتری مکتب قرآن در زمینه‌ی روابط بین‌الملل را بر کرسی اثبات نشانند.

خطوط کلی روابط بین‌الملل در قرآن

قرآن کریم، روابط بین‌الملل را نه بر مبنای مرزهای جغرافیایی که بر مبنای مرزهای عقیدتی استوار ساخته و سرزمین‌ها را به تبع آن به دارالسلام و دارالکفر تقسیم نموده و مقرراتی را در هر مورد مقرر داشته است. در روابط انسان‌ها با یکدیگر، از یک سو روابط مسلمانان را با یکدیگر، و از سوی دیگر روابط مسلمانان با غیرمسلمانان را ترسیم نموده است.

در این نوشته، ابتدا زیربنای قرآنی روابط ملل مسلمان و کشورهای اسلامی را با یکدیگر مرور می‌کنیم. سپس در نگرشی گسترده‌تر، مبانی قرآنی روابط ملل مسلمان با ملل غیرمسلمان را از نظر می‌گذرانیم.

رابطه‌ی کشورهای اسلامی

در رابطه با کشورهای اسلامی، قرآن اصل را بر برادری، هم‌گرایی و وحدت نهاده و منشور برادری را با آیه‌ی شریفه‌ای اعلام کرده است: «انما المؤمنون اخوة فاصلحوا بینهما و اتقوا الله لعلکم ترحمون» [حجرات، ۱۰]: مؤمنان برادر یکدیگرند. پس دو برادر خود



نکنید که خدا تعدی کنندگان را دوست نمی دارد.

قرآن تصریح می کند که نبرد با کفار حربی بازتاب جنگ افروزی خود آن هاست، و به ناگزیر، مسلمانان را در برابر جنگ آفرینی آن ها، به مقابله با آنان فرمان می دهد و می گوید: «... و قاتلوا المشركين كافة كما يقاتلونكم كافة واعلموا ان الله مع المتقين» [توبه، ۳۶]: ... با مشرکان [ستیزه جو]، دسته جمعی پیکار کنید، همان گونه که آن ها دسته جمعی با شما پیکار می کنند؛ و بدانید خداوند با پرهیزگاران است.

بر تسامح با چنین کفار ستیزه گر کینه توز، خط بطلان کشیده، و دوستی و همدلی با آنان را، گمراهی توصیف کرده است و در نخستین آیه ی سوره ی ممتحنه می فرماید: «يا ايها الذين امنوا لاتتخذوا عدوي وعدوكم اولياء تلقون اليهم بالموودة وقد كفروا بما جاءكم من الحق يخرجون الرسول و اياكم ان تؤمنوا بالله ربكم ان كنتم خرجتم جهادا في سبيلي و ابتغاء مرضاتي تسرون اليهم بالموودة و انا اعلم بما اخفيتم و ما اعلنتم و من يفعله منكم فقد ضل سواء السبيل»: ای کسانی که ایمان آوردید! دشمن من و دشمن خودتان را دوست نگیرید! شما نسبت به آنان اظهار محبت می کنید، درحالی که آن ها به آن چه از حق که برای شما آمده، کافر شده اند و رسول الله و شما را به خاطر ایمان به خداوندی که پروردگار همه ی شماست، از شهر و دیارتان بیرون می راند. اگر شما برای جهاد در راه من و جلب خشنودی ام هجرت کرده اید [پیوند دوستی با آنان برقرار نسازید] نباید مخفیانه با آن ها رابطه ی دوستی برقرار کنید، در حالی که من به آن چه پنهان یا آشکار می سازید، از همه دانایم و هرکس از شما چنین کاری کند، از راه راست گمراه شده است.

و هشدار می دهد که مسلمانان نباید فریب ظاهر آنان، و تظاهرشان به دوستی را بخورند و دست مودت به سوی آنان دراز کنند. هم چنین، مسلمانان را از طرح اسرار با آنان به شدت برحذر داشته و درون کینه ورز دشمنان اسلام را برای مسلمانان بازگو کرده است و بر ناخیرخواهی آنان تأکید می نماید. خداوند می فرماید:

«يا ايها الذين امنوا لاتتخذوا بطنان من دونكم لايالونكم خبلا و دوا ما عنتم قد بدت البغضاء من افواههم و ما تخفى صدورهم اكبر قد بينا لكم الايات ان كنتم تعقلون (۱۱۸) ها اتم اولاء تحبونهم و لا يحبونكم و تؤمنون بالكتاب كله و اذا لقوكم قالوا آمنا و اذا خلوا عضاؤا عليكم الانامل من

الغيظ قل موتوا بغيظكم ان الله عليم بذات الصدور (۱۱۹) ان تمسككم حسنه تسوهم و ان تصبكم سيئة يفرحوا بها و ان تصبروا و تتقوا لا يضركم كيدهم شيئا ان الله بما يعملون محيط (۱۲۰)» [آل عمران، ۱۲۰-۱۱۸]: ای کسانی که ایمان آورده اید! محرم اسراری از غیر خود، انتخاب نکنید. آن ها از هر گونه شر و فسادی درباره ی شما، کوتاهی نمی کنند. آن ها دوست دارند شما در رنج و زحمت باشید. [نشانه های] دشمنی از دهان [و کلام] آنان آشکار شده؛ و آن چه در دل هایشان پنهان می دارند، از آن مهم تر است. ما آیات [و راه های] پیشگیری از شر آن ها را برای شما بیان کرده ایم، اگر اندیشه کنید.

شما کسانی هستید که آن ها را دوست می دارید، اما آن ها شما را دوست ندارند؛ درحالی که شما به همه ی کتاب های آسمانی ایمان دارید [و آن ها به کتاب آسمانی شما ایمان ندارند].

هنگامی که شما را ملاقات می کنند، [به دروغ] می گویند: «ایمان آورده ایم». اما هنگامی که تنها می شوند، از شدت خشم بر شما، سر انگشتان خود را به دندان می گزند! بگو: «با همین خشمی که دارید بمیرید! خدا از [اسرار] درون سینه ها آگاه است.»

اگر نیکی به شما برسد، آن ها را ناراحت می کند، و اگر حادثه ی ناگواری برای شما رخ دهد، خوشحال می شوند. [اما] اگر [در برابرشان] استقامت و پرهیزکاری پیشه کنید، نقشه های [خائسانه ی] آنان، به شما زبانی نمی رساند؛ خداوند به آن چه انجام می دهند، احاطه دارد. در این آیات و آیه ی قبل، به وضوح ارتباط پنهانی با کفار حربی و مشرکین جنگ افروز نهی شده، و خوش باوری مسلمین را نقطه ی آسیب پذیری آنان اعلام کرده است.

رابطه ی صلح آمیز با کفار

هم زمان با این توضیح پر صلابت در برابر کفار حربی ستیزه گر، اسلام برقراری رابطه ی عادلانه با آن گروه از غیر مسلمانان که سر ستیز با مسلمانان ندارند، و راه جنگ و خون ریزی با مسلمین را پیشه نساخته، مجاز ندانسته اند، احسان و نیکی به آنان و رفتار عادلانه با آن ها را، روا دانسته است. قرآن در این خصوص می فرماید: «لا ينهاكم الله عن الذين لم يقاتلوكم في الدين و لم يخرجوكم من دياركم ان تبروهم و تقسطوا اليهم ان الله يحب المقسطين» [ممتحنه، ۸]: خدا شما را از نیکی

کردن و رعایت عدالت نسبت به کسانی که در امر دین با شما بیکار نکردند و از خانه و دیارتان بیرون نراندند، نهی نمی کند؛ چرا که خداوند عدالت پیشگان را دوست دارد. ملاحظه می کنیم که اسلام، حسب این آیه ی کریمه، اجازه ی برقراری رابطه را با غیر مسلمان به طور مطلق صادر می کند، مگر آنان که از در جنگ با مسلمین درآیند، و قصد دین و ایمان آنان را کنند. اسلام پافشاری در ستیزه جویی را شایسته ی جامعه ی اسلامی ندانسته است و در جای جای قرآن تأکید می کند که در صورت مشاهده ی علائم صلح گرایی در دشمن متخاصم، مسلمین نیز از در صلح درآیند و به محاصره پایان دهند. قرآن تصریح می کند: «و ان جنحوا للسلم فاجنح لها و توکل علی الله انه هو السميع العليم» [انفال، ۶۱]: و اگر تمایل به صلح نشان دهند، تو نیز از در صلح درآی؛ و بر خدا توکل کن، که او شنوا و داناست. و در آیه ی دیگری می فرماید: «فان انتهوا فان الله غفور رحيم» [بقره، ۱۹۲]: و اگر خودداری کردند، خداوند آمرزنده و مهربان است.

و نیز می فرماید: «... فان انتهوا فلا عدوان الا علی الظالمين» [بقره، ۱۹۳]: ... پس اگر [از روش نادرست خود] دست برداشتند، [مزاحم آن ها نشوید؛ زیرا] تعدی جز بر ستمکاران روا نیست. پس از پایان محاصره، امت اسلامی را به پیشه ساختن راه و روشی که کینه ها را از میان بردارد و دوستی و مودت را جای گزین آن کند، سفارش می نماید و می فرماید: «عسی الله ان يجعل بینکم و بین الذین عادیتم منهم مودةً والله قدير والله غفور رحيم» [ممتحنه، ۷]: امید است خدا میان شما و کسانی از مشرکین که با شما دشمنی کردند، [از راه اسلام] پیوند محبت برقرار کند؛ خداوند تواناست و آمرزنده و مهربان است.

تقدم رابطه با مسلمانان

در همین حال، توصیه می کند که رابطه با کافران نباید از رابطه با مسلمانان سبقت گیرد. در هر حال، حق تقدم برقراری رابطه با مسلمین باید محفوظ بماند، و روابط با غیر مسلمانان نباید پررنگ تر از روابط با مسلمین گردد. در این راستا قرآن می فرماید: «لا يتخذ المؤمنون الكافرين اولياء من دون المؤمنین و من يفعل ذلك فليس من الله فی شی الا ان تتقوا منهم تقاة و يحذرکم الله نفسه و الی الله

المصیر» [آل عمران، ۲۸]: افراد با ایمان نباید به جای مؤمنان، کافران را دوست و سرپرست خود انتخاب کنند. هر کس چنین کند، هیچ رابطه ای با خدا ندارد [و پیوند او به کلی از خدا گسسته می شود]؛ مگر این که از آن ها بپرهیزد [و به خاطر هدف های مهم تری تقیه کنید]. خداوند شما را از [نافرمانی] خود برحذر می دارد، و بازگشت [شما] به سوی خداست.

و بر تحلیل آن گروه از مسلمانان که عزت، اقتدار و سربلندی خود، و به اصطلاح تأمین منافع ملی و حل مشکلات خود را از راه پیوند پررنگ تر با کافران جست و جو می کنند، خط بطلان کشیده، و تمامی عزت و اقتدار مسلمین را در گروی پیوند با خدا دانسته است، و می فرماید: «الذین يتخذون الکافرين اولياء من دون المؤمنین آیتغون عندهم العزة فان العزة لله جميعاً» [نساء، ۱۳۹]: همان ها که کافران را به جای مؤمنان، دوست خود انتخاب می کنند. آیا عزت و آبرو را نزد آنان می جویند، با این که همه ی عزت ها از آن خداست؟!

رابطه با اهل کتاب

اسلام پس از حق تقدمی که برای رابطه با مسلمانان قائل شده، برقراری رابطه با اهل کتاب را در تقدم بر روابط کافران و مشرکان برشمرده است، و در بعد معنوی نیز، آنان را بر مشرکین و کفار امتیاز داده است. در سوره ی حج، آیه ی ۱۷ چنین می خوانیم: «ان الذین امنوا و الذین هادوا و الصابئين و النصاری و المجوس و الذین اشركوا ان الله يفصل بینهم یوم القیامة ان الله علی کل شیء شهید»: مسلماً کسانی که ایسان آورده اند، و یهود و صابئان [= ستاره پرستان] و نصاری و مجوس و مشرکان، خداوند روز قیامت میان آنان داوری می کند [و حق را از باطل جدا می سازد]. خداوند بر هر چیز گواه [و از همه چیز آگاه] است.

و در آیات دیگر، امتیاز معنوی اهل کتاب یادآوری شده است و آنان را با اهل ایمان هم ردیف آورده است. در سوره ی مائده، آیه ی ۶۹ می فرماید: «ان الذین آمنوا و الذین هادوا و الصابئون و النصاری من آمن بالله و الیوم الاخر و عمل صالحاً فلا خوف علیهم و لا هم یحزنون»: آن ها که ایمان آورده اند، و یهود و صابئان و مسیحیان، هرگاه به خداوند یگانه و روز جزا ایمان بیاورند، و عمل صالح انجام دهند، نه ترسی بر آن ها است، و نه غمگین خواهند شد.

ملاحظه می‌کنیم که اهل کتاب، در این آیه‌ی شریفه، با رعایت ترتیب در ردیف اهل ایمان ذکر شده‌اند و در آیه‌ی دیگری، برخوردار از اجر و پاداش الهی شمرده شده‌اند. «ان الذین امنوا و الذین هادوا و النصاری و الصابین من آمن بالله و الیوم الاخر و عمل صالحا فلهم اجرهم عند ربهم و لا خوف علیهم و لا هم یحزنون» [بقره، ۶۲]: کسانی که [به پیامبر اسلام] ایمان آورده‌اند، و کسانی که به آیین یهود گرویده‌اند و نصاری و صابان [= پیروان یحیی]، هرگاه به خدا و روز رستاخیز ایمان آورند و عمل صالح انجام دهند، پاداششان نزد پروردگارشان مسلم است؛ و هیچ‌گونه ترس و اندوهی برای آن‌ها نیست [هر کدام از پیروان ادیان الهی که در عصر و زمان خود بر طبق وظایف و فرمان دین عمل کرده‌اند، مأجور و رستگارند].

و در عین حال هشدار می‌دهد که این ویژگی آن دسته از اهل کتاب است که به ارزش‌های مرام خود پای بند، و از آلودگی‌ها به دورند، و همه‌ی اهل کتاب مشمول این حکم نیستند. آیات زیر با بیانی رسا این حقیقت را تبیین می‌کنند:

● «... ولو آمن اهل الکتاب لکان خیرا لهم منهم المؤمنون و اکثرهم الفاسقون» [آل عمران، ۱۱۰]: ... و اگر اهل کتاب [به چنین برنامه و آیین درخشانی] ایمان آورند، برای آن‌ها بهتر است. [ولی تنها] عده‌ی کمی از آن‌ها باایمانند؛ و بیش‌تر آن‌ها فاسق‌اند [و خارج از اطاعت پروردگار].

● «لیسوا سواء من اهل الکتاب امة قائمة یتلون آیات الله اناء اللیل و هم یسجدون» * یؤمنون بالله و الیوم الاخر و یامرون بالمعروف و ینهون عن المنکر و یسارعون فی الخیرات و اولئک من الصالحین» [آل عمران، ۱۱۴-۱۱۳]: آن‌ها همه یکسان نیستند. از اهل کتاب، جمعیتی هستند که [به حق و ایمان] قیام می‌کنند و پیوسته در اوقات شب، آیات خدا را می‌خوانند در حالی که سجده می‌نمایند، به خدا و روز واپسین ایمان می‌آورند، امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند و در انجام کارهای نیک پیشی می‌گیرند؛ و آن‌ها از صالحان‌اند.

بدیهی است چنین اهل کتابی شایسته‌ی برقراری روابط حسنه، براساس احترام متقابل هستند، و غیر مسلمان بودن آنان هیچ مشکلی برای برقراری روابط با آنان ایجاد نمی‌کند. قرآن هم چنین هشدار می‌دهد که آن گروه بی‌تعهد از اهل کتاب، خیرخواه مسلمانان نیستند و در روابط با آنان باید تأمل و دقت کافی به کار گرفته شود، تا

از این رهگذر آسیبی به امت اسلامی نرسد: «مایود الذین کفروا من اهل الکتاب و لا المشرکین ان ینزل علیکم من خیر من ربکم و الله یختص برحمته من یشاء والله ذوالفضل العظیم» [بقره، ۱۰۵]: کافران اهل کتاب و [هم‌چنین] مشرکان، دوست ندارند که از سوی خداوند خیر و برکتی بر شما نازل گردد. در حالی که خداوند، رحمت خود را به هرکس بخواهد، اختصاص می‌دهد، و خداوند صاحب فضل بزرگ است.

بدیهی است، رابطه با کسانی که خیر مسلمین را نمی‌خواهند و زیان مسلمانان را آرزو می‌کنند، توجیه‌پذیر نیست. با این وصف، قرآن برخورد گذشت‌آمیز، ملایم و بزرگوارانه را با چنین اهل کتابی توصیه می‌کند و می‌فرماید: «و کثیر من اهل الکتاب لو یردونکم من بعد ایمانکم کفارا حسدا من عند انفسهم من بعد ما تبیین لهم الحق فاعفوا و اصفحوا حتی یتئی الله بامرہ ان الله علی کل شیء قدیر» [بقره، ۱۰۹]: بسیاری از اهل کتاب، از روی حسد - که در وجود آن‌ها ریشه دوانده است - آرزو می‌کردند شما را بعد از اسلام و ایمان، به حال کفر بازگردانند؛ با این که حق برای آن‌ها کاملاً روشن شده است. شما آن‌ها را عفو کنید و گذشت نمایید؛ تا خداوند فرمان خودش [فرمان جهاد] را بفرستد. خداوند بر هر چیزی تواناست.

مذاکره‌ی انتقادی

و در همین مجموعه از آیات سوره‌ی بقره، سفارش می‌کند که مسلمانان در برابر ادعاهای واهی برخی از اهل کتاب که با کوته‌نگری، افکاری نابخردانه را مطرح می‌کنند و در صدد تحمیل عقیده‌ی خود به مسلمانان برمی‌آیند، رویه‌ای منطقی در پیش گیرند، و به گفت‌گویی انتقادی بپردازند تا آنان را متوجه اندیشه‌های نادرست خویش سازند: «وقالوا لن یدخل الجنة الا من کان هودا او نصاری تلک امانیهم قل هاتوا برهانکم ان کنتم صادقین» [بقره، ۱۱۱]: آن‌ها گفتند: «هیچ‌کس جز یهود یا نصاری، هرگز داخل بهشت نخواهد شد.» این آرزوی آن‌هاست. بگو: «اگر راست می‌گویید، دلیل خود را [برای این موضوع] بیاورید!»

خطر تهاجم فرهنگی

قرآن در آیات دیگری، خطر تأثیر و توطئه‌ی فرهنگی کفار و مشرکین و اهل کتاب را گوشزد کرده، و ضرورت هوشیاری در برابر تهاجم فرهنگی آنان را مورد تأکید قرار



نفی ولایت اهل کتاب

قرآن گرچه برقراری رابطه با اهل کتاب را نفی نمی‌کند، ولی مسلمانان را از پذیرش ولایت آنان برحذر می‌دارد و پذیرش ولایت آنان را، دخول در دایره‌ی آنان تلقی می‌کند و می‌فرماید: «یا ایها الذین امنوا لاتتخذوا اليهود والنصارى اولیا بعضهم اولیا بعض و من يتولهم منكم فانه منهم ان الله لا یهدى القوم الظالمین» [مائده، ۵۱]: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! یهود و نصاری را ولی [و دوست و تکیه‌گاه خود] انتخاب نکنید. آن‌ها اولیای یکدیگرند، و کسانی از شما که با آنان دوستی کنند، از آن‌ها هستند. خداوند جمعیت ستمکار را هدایت نمی‌کند.

از نظر قرآن، پذیرش مطلق ولایت یهود و نصاری، دخول در زمره‌ی آنان محسوب می‌شود. ولی پذیرش آن عده از اهل کتاب که دین اسلام را به استهزا می‌گیرند، نوعی فاصله گرفتن از ایمان و تقوا نیز محسوب می‌شود و به مؤمنین در این خصوص هشدار جدی داده شده است. در آیه‌ی دیگری می‌خوانیم: «یا ایها الذین امنوا لاتتخذوا الذین اتخذوا دینکم هزوا و لعبا من الذین اتوا الکتاب من قبلکم و الکفار اولیاء واتقوا الله ان کنتم مؤمنین» [مائده، ۵۷]: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! افرادی از اهل کتاب که آیین شما را به باد استهزا و بازی می‌گیرند و نیز مشرکان را، ولی خود انتخاب نکنید، و از خدا بپرهیزید، اگر ایمان دارید.

با این حال، حکم یهود و نصاری را، در یک ردیف قرار نداده، و خصومت یهود را با اهل ایمان، شدیدترین خصومت برشمرده و برخی از نصاری را نزدیک‌ترین اهل کتاب به مسلمانان دانسته است. می‌گوید: «لتجدن اشد الناس عداوة للذین امنوا اليهود و الذین اشركوا و لتجدن اقربهم مودة للذین امنوا الذین قالوا انا نصاری ذلك بان منهم قسيسین و رهبانا و انهم لا یتکبرون» [مائده، ۸۲]: به‌طور مسلم، دشمن‌ترین مردم نسبت به مؤمنان را یهود و مشرکان خواهی یافت و نزدیک‌ترین دوستان به مؤمنان را کسانی می‌یابی که می‌گویند: «ما نصاری هستیم.» زیرا در میان آن‌ها، افرادی عالم و تارک دنیا هستند و آن‌ها [در برابر حق] تکبر نمی‌ورزند.

واپسین سخن این که قرآن اصل را در مقابل اهل کتاب، بر رابطه‌ی دوستانه، و نه پذیرش و ولایت و سلطه قرار داده است.

داده است. هم چنین تأکید دارد، دسیسه‌های فرهنگی آنان در صورت هوشیاری مسلمانان، بی‌اثر می‌ماند. از جمله در سوره‌ی آل‌عمران آیه‌ی ۶۹ می‌فرماید: «ودت طائفة من اهل الکتاب لویضلونکم و ما یضلون الا انفسهم و ما یشعرون»: جمعی از اهل کتاب [از یهود]، دوست داشتند [و آرزو می‌کردند] شما را گمراه کنند، [اما آن‌ها باید بدانند که نمی‌توانند شما را گمراه سازند]. آن‌ها گمراه نمی‌کنند مگر خودشان را، و نمی‌فهمند.

و در آیه‌ی دیگری، عناد اهل کتاب را در برابر آیات الهی و دلائل متقن اسلام یادآور شده و تأثیرپذیری فرهنگی و... از آنان را نوعی ظلم و ستم شمرده است. در سوره‌ی بقره آیه‌ی ۱۴۵ آمده است: «ولئن اتیت الذین اتوا الکتاب بکل آیه ماتبعوا قبلتک و ما انت بتابع قبلتهم و ما بعضهم بتابع قبله بعض و لئن اتبع اهواءهم من بعد ما جاءک من العلم انک اذا لمن الظالمین»: سوگند که اگر برای [این گروه از] اهل کتاب، هرگونه آیه [و نشانه و دلیلی] بیاوری، از قبله‌ی تو پیروی نخواهند کرد، و تو نیز هیچ‌گاه از قبله‌ی آنان پیروی نخواهی نمود. [آن‌ها نباید تصور کنند که بار دیگر، تغییر قبله امکان‌پذیر است.] و حتی هیچ‌یک از آن‌ها، پیروی از قبله‌ی دیگری نخواهد کرد. و اگر تو پس از این آگاهی از هوس‌های آن‌ها متابعت کنی، مسلماً از ستمگران خواهی بود.

و در آیه‌ی دیگری تصریح می‌کند که یهود و نصاری جز به تبعیت از مرام آن‌ها، و قرار گرفتن در راستای اهداف و خواست‌های آن‌ها، و تبعیت‌پذیری از آنان رضایت نخواهند داد. برای خوشایند آن‌ها نباید از طریق هدایت عدول کرد و تأثیرپذیری از آنان، خروج از ولایت و نصرت خداوند متعال است. به آیه ۱۲۰ بقره توجه می‌کنیم: «ولن ترضی عنک اليهود و لا النصارى حتى تتبع ملتهم قل ان هدی الله هو الهدی و لئن اتبع اهواءهم بعد الذی جاءک من العلم ما لک من الله من ولی و لا نصیر»: هرگز یهود و نصاری از تو راضی نخواهند شد، تا [به‌طور کامل تسلیم خواسته‌های آن‌ها شوی، و] از آیین [تحریف یافته] آنان پیروی کنی. بگو «هدایت الهی، تنها هدایت است.» و اگر از هوی و هوس‌های آنان پیروی کنی، بعد از آن که آگاه شده‌ای، هیچ یآوری از سوی خدا برای تو نخواهد بود.



محوریت مشترکات فرهنگی

اصل کلی رفع عسرو حرج در اسلام، از این آیه ی شریفه برگرفته شده است: «و ما جعل علیکم فی الدین من حرج ملة ایبکم ابراهیم هوسماکم المسلمین من قبل» [حج، ۷۸]: ... (اسلام) کار سنگین و سختی بر شما قرار نداد. از آیین پدرتان ابراهیم پیروی کنید. خداوند شما را در کتاب های پیشین و در این کتاب آسمانی «مسلمان» نامید. این اصل کلی، بر این قاعده ی عمومی دلالت دارد که در سایر زمینه ها، در صورت ملازمه ی حکمی با حرج، آن حکم مرتفع می شود. در زمینه ی روابط خارجی مسلمین نیز همین قاعده ی عمومی حاکمیت دارد و روابط بین الملل اسلامی متأثر از آن است.

جمع بندی آیات

در یک جمع بندی از آیات یاد شده، به سه اصل کلی در نگرش اسلام به روابط مسلمانین با سایر ملات ها می رسم که پیش از هر اصل دیگری، روابط بین الملل اسلامی را شکل می دهند:

۱. ضرورت پای بندی به مفاد قراردادهای دیگر ملل، مستفاد از آیه ی شریفه: «یا ایها الذین آمنوا اوفوا بالعقود» [مائده، ۱]، و تأسیس تا تأیید قاعده ی لزوم عقد.
۲. ضرورت اجتناب از روابط و قراردادهایی که زمینه ساز سلطه ی کفار بر مؤمنین شوند، مستفاد از آیه ی «و لن یجعل الله للکافرین علی المؤمنین سبیلا» [نسا، ۱۴۱] و تأسیس قاعده ی «نفی سبیل».
۳. نفی عسرو حرج در برقراری روابط و تجویز انعقاد پیمان ها و قراردادهای مستلزم نوعی سبیل کافرین در حد رفع عسرو حرج، مستفاد از آیه ی «ما جعل علیکم فی الدین من حرج...» [حج، ۷۷]، و تأسیس قاعده ی نفی عسرو حرج.

و بر همین مبناست که جمهوری اسلامی ایران، پایه های سیاست خارجی خود را با رهنمود مقام معظم رهبری، بر اساس «حکمت» در تنظیم قراردادهای تعاملی، و «عزت» در مفاد و محتوای آن ها و «مصلحت» در کلیه ی موارد، از جمله موارد عسرو حرج، مبتنی ساخته است.

منابع

۱. خوشوقت، محمدحسین. تجزیه و تحلیل تصمیم گیری در سیاست خارجی.
۲. زنجانی، سعید. فقه سیاسی (ج ۳: حقوق بین الملل اسلام). انتشارات امیرکبیر. تهران. ۱۳۷۷.
۳. سیف زاده، دکتر سیدحسین. مبانی و مدل های تصمیم گیری در سیاست خارجی.

در چارچوب روابط دوستانه و احترام متقابل، قرآن بر مشترکات فرهنگی تکیه می کند و مسلمانان را به گفت و گو و مذاکره ی فرهنگی و فکری، و فراخوانی اهل کتاب به هم گرایی بر مبنای اصل مشترک توحید، توصیه می نماید. در بیانی رسا، این فراخوانی را چنین اعلام می کند: «قل یا اهل الکتاب تعالوا الی کلمة سواء بیننا و بینکم الا نعبد الا الله و لا نشکر به شیئا و لا یتخذ بعضنا بعضا اربابا من دون الله فان تولوا فقولوا اشهدوا بانا مسلمون» [آل عمران، ۶۴]: بگو: «ای اهل کتاب! بیاید به سوی سخنی که میان ما و شما یکسان است که جز خداوند یگانه را نپرستیم و چیزی را همتای او قرار ندهیم، و بعضی از ما، بعضی دیگر را غیر از خدای یگانه - به خدایی نپذیرد. «هرگاه [از این دعوت] سرباز زنند، بگوید: «گواه باشید که ما مسلمانیم.»

رابطه، نه سلطه

ولی این روابط نباید به گونه ای باشد که موجبات سلطه و سبیل کافران بر مسلمانان را فراهم سازد، چرا که هرگونه راه سلطه ی کافران بر مؤمنین مورد نفی خدشه ناپذیری قرار گرفته است و هرگونه تفاهم نامه، موافقت نامه، و معاهده ای که متضمن و یا مستلزم سبیل کافرین باشد، به شدت محکوم شده، و فاقد اعتبار اعلام گردیده است. آیدی شریفه ی ۱۴۱ در سوره ی نسا به این نکته دلالت دارد: «و لن یجعل الله للکافرین علی المؤمنین سبیلا»؛ و خداوند هرگز کافران را بر مؤمنان تسلطی نداده است.

روابط حرجی

اگر گهگاه برخی از روابط و یا انعقاد قراردادهای، به نحوی باعث نوعی سلطه شود، ولی مسلمین ناگزیر از انعقاد و یا برقراری آن باشند، و نپذیرفتن آن موجب زیان بیش تر گردد، به عنوان یک استثنا و در شرایط عسرو حرج، قرآن راه را برای قبول آن می گشاید که محدود به حدود عسرو حرج است و جنبه ی حکم ثانوی در روابط خارجی و بین الملل اسلامی را دارد. در آیه ی ۲۸ سوره ی آل عمران، فراز «الا ان تتقوا منهم تقاة» به این نکته اشاره کرده، و فراز «و یحذرکم الله نفسه و الی الله المصیر»، هشدار می دهد که چنین موردی استثناست و نباید دستاویزی برای توجیه پیوندهای مذلت بار، و انعقاد قراردادهای سلطه آفرین باشد. به عبارت دیگر، رعایت حدود عسرو حرج، و خوف از وقوع در ضرر بزرگ تر، باید با دقت رعایت شود.